در تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۳
مواسعه و مضایقه

جلسه 54

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمْ
الْحَمْدُ للّه رَبِّ الْعَالَمِينْ وَصَلَى الله عَلَىٰ سَيِّدَنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينْ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته آیات شریفه ای از قران کریم که بر جایگاه امامت تاکید دارد، مورد بررسی قرار گرفت، توجه به آیات «وَكَذٰلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»[1]، «اِتَّقُوا اللّٰهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّٰادِقِينَ»[2]، «فَسۡـَٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ»[3]، « وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُ ۗ وَ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ»[4]، «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»[5] و «وَ أَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ لَأَسۡقَيۡنَٰهُم مَّآءً غَدَقًا»[6] و روایاتی که در ذیل این آیات آمده است، جایگاه رفیع امامت به خوبی مشخص است و نشان می‌دهد که این جایگاه نه تنها با سهو بلکه با اسهاء نیز سازگاری ندارد، لذا باید گفت که همان طور که سهو النبی ممتنع وقوعی است اسهاء النبی هم امتناع وقوعی دارد.

بررسی روایات سهو النبی (صلی الله علیه و آله)

در ادامه روایاتی که دلالت بر سهو النبی دارد را اجمالاً مرور و بعد اشکالات این روایات را بیان می‌کنیم.

روایت ذوالشمالین

یکی از روایاتی که در موضوع سجده سهو مطرح شده است، روایتی است که از کتاب شریف کافی نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَّى بِالنَّاسِ الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَهَا فَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ ذُو الشِّمَالَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ نَزَلَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ فَقَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالَ إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَ تَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ قَالُوا نَعَمْ فَقَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلَاةَ وَ سَجَدَ بِهِمْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ[7]

این روایت بیان می‌دارد که هرکس سهوی در نماز برای او رخ دهد و آن را حفظ کند، یعنی سهو خود را برطرف نماید و نماز را صحیحاً به پایان برساند، نیازی به انجام سجده سهو ندارد، در ادامه روایت، واقعه‌ای از نماز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در نماز ظهر، پس از دو رکعت سلام دادند. ذو الشمالین عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَزَلَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟» پیامبر پرسیدند: «وَ مَا ذَاكَ؟» ذو الشمالین پاسخ داد: «إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ.» سپس پیامبر به جماعت نمازگزار رو کردند و فرمودند: «أَتَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ؟» نمازگزاران تأیید کردند که نماز تنها در دو رکعت پایان یافته است، آنگاه پیامبر برخاستند، نماز را با همان جماعت تکمیل کردند و سپس دو سجده سهو به‌جا آوردند.

صدر روایت بر این نکته تأکید دارد که «مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ» به معنای اصلاح و برطرف کردن سهوی است که در نماز رخ داده است. به‌عنوان مثال، فردی که بین دو و سه رکعت شک می‌کند، پس از تأمل و یافتن ظن غالب، نماز خود را تکمیل می‌کند و در این حالت نیازی به سجده سهو ندارد.

اما در واقعه ذکرشده درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ایشان پس از آنکه ذو الشمالین به اشتباه اشاره کرد و سایر نمازگزاران نیز آن را تأیید کردند، نماز را کامل کردند و به دلیل افزوده شدن گفت‌وگو میان نماز، سجده سهو انجام دادند.

اشکال دلالی که در این روایت وجود دارد این است که به این نکته اشاره دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از مکالمه با نمازگزاران، برخاسته و نماز را ادامه دادند: «فَقَامَ فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلَاةَ وَ سَجَدَ بِهِمْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ» و اشکال به همین قسمت روایت است، چرا که کلام آدمی به‌عنوان عامل مفسد نماز تلقی می‌شود مگر آنه احتمال داده شود که عبارت «فَأَتَمَّ» به معنای آغاز دوباره نماز باشد.

از حیث سند، روایت صحیح است و مورد اعتماد واقع شده است. شیخ صدوق نیز این روایت را با سند دیگری که معتبر است، نقل کرده است.

روایت دیگری با همین مضمون در الکافی به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ سَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ فَسَأَلَهُ مَنْ خَلْفَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ حَدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَ وَ مَا ذَلِكَ قَالُوا إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ أَ كَذَلِكَ يَا ذَا الْيَدَيْنِ وَ كَانَ يُدْعَى ذَا الشِّمَالَيْنِ فَقَالَ نَعَمْ فَبَنَى عَلَى صَلَاتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ أَرْبَعاً وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَاهُ رَحْمَةً لِلْأُمَّةِ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلاً صَنَعَ هَذَا لَعُيِّرَ وَ قِيلَ مَا تُقْبَلُ صَلَاتُكَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمَ ذَاكَ قَالَ قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ صَارَتْ أُسْوَةً وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لِمَكَانِ الْكَلَامِ.[8]

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز خواندند و پس از دو رکعت سلام دادند. فردی که پشت سر ایشان نماز می‌خواند، عرض کرد: «یا رسول‌الله، آیا در نماز تغییری رخ داده است؟» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «وَ مَا ذَلِكَ؟» منظور شما چیست؟ فرد گفت: «إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ» شما تنها دو رکعت نماز خواندید، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سپس به ذوالشمالین رو کردند و فرمودند؛ «أَ كَذَلِكَ يَا ذَا الْيَدَيْنِ؟» ذو الشمالین پاسخ داد: «نَعَم.» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بنا را بر همان دو رکعت گذاشتند و دو رکعت دیگر به عنوان تکمیل نماز خواندند: «فَبَنَى عَلَى صَلَاتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ أَرْبَعاً»، امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَاهُ رَحْمَةً لِلْأُمَّةِ»، این فراموشی از جانب خداوند بود و رحمت و تسهیلی برای امت به شمار می‌رفت. سپس امام (علیه السلام) بیان کردند: «أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلاً صَنَعَ هَذَا لَعُيِّرَ وَ قِيلَ: مَا تُقْبَلُ صَلَاتُكَ» اگر فردی چنین اشتباهی می‌کرد، ممکن بود مورد سرزنش قرار گیرد و به او گفته شود که نمازت پذیرفته نیست. اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با این عمل، سنتی را پایه‌گذاری کردند: «فَقَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ صَارَتْ أُسْوَةً»، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را کامل کردند و دو سجده سهو به جا آوردند: «وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ»

این روایت از نظر مضمون با روایت پیشین همسان است و تأکید بر اصلاح نماز در صورت وقوع سهو و انجام سجده سهو دارد.

روایت حسن بن صدقه از امام کاظم (علیه السلام)

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع أَ سَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ حَالُهُ حَالُهُ قَالَ إِنَّمَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُفَقِّهَهُمْ.[9]

در کتاب کافی حدیثی از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که حسن بن صدقه از امام (علیه السلام) پرسید که آیا پیامبر

اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در دو رکعت اول نماز سلام دادند؟ امام (علیه السلام) پاسخ مثبت دادند و سپس حسن بن صدقه پرسید که آیا ممکن است پیامبری که در مقام پیامبری است چنین سهوی مرتکب شود؟ امام (علیه السلام) توضیح دادند که خداوند متعال اراده کرد که از این طریق تفقه و آگاهی را به مردم آموزش دهد تا در صورت وقوع سهو در نماز، چگونگی برخورد با آن را بیاموزند. این عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به قصد تعلیم و آگاهی مردم در مورد احکام سهو بوده است. در سند این روایت، منصور بن عباس وجود دارد که در منابع رجالی تضعیف شده است.

روایت جمیل از امام صادق (علیه السلام)

الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَامَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ قُلْتُ فَمَا يَرْوِي النَّاسُ فَذَكَرَ لَهُ حَدِيثَ ذِي الشِّمَالَيْنِ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَكَانِهِ وَ لَوْ بَرِحَ اسْتَقْبَلَ.[10]

در کتاب تهذیب روایتی نقل شده است که در آن حسین بن سعید از ابن ابی عمیر نقل می‌کند که جمیل از امام صادق (علیه السلام) سوال کرد: اگر مردی نماز چهار رکعتی بخواند و پس از دو رکعت سلام دهد و سپس از جای خود برخیزد و مشغول کار دیگری شود، آیا باید نماز را دوباره بخواند؟ امام صادق (علیه السلام) پاسخ دادند که باید نماز را اعاده کند. سپس جمیل پرسید که مردم (اهل سنت) چه روایت می‌کنند؟ امام (علیه السلام) حدیث ذو الشمالین را نقل کردند و فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکان خود برنخاستند تا نماز را تمام کنند. اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکان خود بلند می‌شد و به کاری دیگر مشغول می‌شد، در این صورت باید نماز را اعاده می‌کرد. حتی زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مردم پرسیدند که آیا ذو الشمالین درست گفته است یا نه، نماز را ادامه دادند و تمام کردند. در اینجا قصد این است که تأکید کنند که تنها بلند شدن از جای خود و مشغول شدن به کاری دیگر موجب اعاده نماز نمی‌شود. در این زمینه باید به بحث قول و فعل آدمی توجه کرد و بررسی کرد که آیا گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این موقعیت قابل توجیه است یا نه. از لحاظ سندی، این روایت معتبر است.

روایت ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام)

عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قَامَ فَذَهَبَ فِي حَاجَتِهِ قَالَ يَسْتَقْبِلُ الصَّلَاةَ فَقُلْتُ مَا بَالُ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمْ يَسْتَقْبِلْ حِينَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمْ يَنْفَتِلْ مِنْ مَوْضِعِهِ.[11]

در کتاب تهذیب روایت دیگری نقل شده است که فضاله از حسین بن عثمان و او از سماعه و سپس از ابی بصیر نقل می‌کند که گفت: من از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم که اگر کسی دو رکعت نماز بخواند و سپس از جای خود بلند شود و به کارهای خود برود، آیا باید نماز را دوباره بخواند؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند که باید نماز را از سر بگیرد. سپس من پرسیدم که چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نمازش را اعاده نکردند زمانی که دو رکعت نماز خواندند و از جای خود بلند شدند؟ امام (علیه السلام) فرمودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مکان خود بلند نشده بودند و هیئت نماز به هم نخورده بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در همان مکان باقی ماندند و از سر جای خود برنخاستند، لذا نماز را ادامه دادند و اعاده نکردند.

روایت مرغمتین

سَعْدٌ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص الظُّهْرَ خَمْسَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ انْفَتَلَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْقَوْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ زِيدَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ فَقَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالَ صَلَّيْتَ بِنَا خَمْسَ رَكَعَاتٍ قَالَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ كَبَّرَ وَ هُوَ جَالِسٌ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةٌ وَ لَا رُكُوعٌ ثُمَّ سَلَّمَ وَ كَانَ يَقُولُ هُمَا الْمُرْغِمَتَانِ.[12]

در روایت دیگری که شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است، محمد بن حسن از سهل و او از ابی الجوزا و سپس از حسین بن الوان و عمرو بن خالد و از زید بن علی و آباء او نقل می‌کند که علی (علیه السلام) فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز ظهر را پنج رکعت خواند. سپس پس از اتمام نماز، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بلند شدند که بروند و مردم از ایشان پرسیدند: آیا چیزی به نماز افزوده شده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: منظورتان چیست؟ مردم گفتند: امروز شما پنج رکعت خواندید، آیا از این پس باید نماز ظهر را پنج رکعت بخوانیم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پاسخ دادند که نه، سپس به سمت قبله برگشتند و تکبیر گفتند، در حالی که نشسته بودند، و دو سجده سهو انجام دادند که در آن‌ها نه قرائت بود و نه رکوع، سپس سلام دادند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این دو سجده را به عنوان «مرغمتین» یاد کردند، به این معنا که این دو سجده، بینی شیطان را به زمین می‌زند. در برخی از نقل‌ها، سجدتین سهو به همین دلیل «مرغمتین» گفته شده‌اند چون اصلاح‌کننده آنچه از نماز فاسد شده است هستند. سند این روایت معتبر است، اما اضافه شدن یک رکعت در نماز به اتفاق فقها موجب بطلان نماز است. اشکال اصلی این روایت در اعراض فقها از آن است، زیرا در این روایت یک رکعت اضافی آمده است که در آن رکوع اضافی و سجده نیز وجود دارد و سپس با دو سجده سهو این اشکال رفع می‌شود، اما فقها این مسئله را رد کرده‌اند.

روایت ابی اسامه از امام صادق (علیه السلام)

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ صَلَّى الْعَصْرَ سِتَّ رَكَعَاتٍ أَوْ خَمْسَ رَكَعَاتٍ قَالَ إِنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ صَلَّى خَمْساً أَوْ سِتّاً فَلْيُعِدْ وَ إِنْ كَانَ لَا يَدْرِي أَ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيُكَبِّرْ وَ هُوَ جَالِسٌ ثُمَّ لْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ إِنْ هُوَ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثاً ثُمَّ انْصَرَفَ فَتَكَلَّمَ فَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ لَمْ يُتِمَّ الصَّلَاةَ قَائِماً عَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ الصَّلَاةَ مَا بَقِيَ مِنْهَا فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ ص صَلَّى بِالنَّاسِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ نَسِيَ حَتَّى انْصَرَفَ فَقَالَ لَهُ ذُو الشِّمَالَيْنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ حَدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَ صَدَقَ ذُو الشِّمَالَيْنِ فَقَالُوا نَعَمْ لَمْ تُصَلِّ إِلَّا رَكْعَتَيْنِ فَقَامَ فَأَتَمَّ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ.[13]

در روایتی که احمد بن محمد از حسن بن علی بن فضال و او از ابی جمیله مفضل بن صالح نقل می‌کند، که ابی جمیله از افراد معتبر است، از زید شحام و او از ابی اسامه نقل می‌کند که از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: اگر کسی شش رکعت یا پنج رکعت نماز خوانده باشد، چه باید کرد؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را با دو رکعت خواند و سپس سهو کرد، تا اینکه از جای خود برخاست و ذو الشمالین به او گفت: آیا در نماز چیزی افزوده شده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از مردم پرسید که آیا ذو الشمالین راست می‌گوید؟ مردم پاسخ دادند بله، شما فقط دو رکعت خوانده‌اید، سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را ادامه داد و آن را کامل کرد.

اشکال روشن در این روایت این است که پاسخ امام (علیه السلام) ارتباطی به سوال نداشت. سائل از امام پرسیده بود که اگر کسی پنج یا شش رکعت نماز خوانده باشد چه باید کرد، اما امام (علیه السلام) به قضیه دو رکعت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره کردند که هیچ ارتباطی با سوال نداشت. البته معنای پاسخ ممکن است این باشد که همانطور که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سهو کرده و سپس نماز را تمام کرده و مشکلی نداشته است، در اینجا نیز سهو ممکن است در نماز پیش آید و تنها سجده سهو لازم باشد. اگر مقصود امام (علیه السلام) این باشد که اصل صحت نماز باید مورد تأکید قرار گیرد، در این صورت اشکالی وارد نیست. اما از نظر ظاهری، جواب امام (علیه السلام) با سوال هیچ ارتباطی ندارد.

روایت ابی بکر حضرمی از امام صادق (علیه السلام)

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِي الْمَغْرِبَ فَلَمَّا أَنْ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ سَلَّمْتُ فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ فَأَعَدْتُ فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَعَلَّكَ أَعَدْتَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَضَحِكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا كَانَ يُجْزِيكَ أَنْ تَقُومَ وَ تَرْكَعَ رَكْعَةً إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سَهَا فَسَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرَ حَدِيثَ ذِي الشِّمَالَيْنِ فَقَالَ ثُمَّ قَامَ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَتَيْنِ.[14]

در روایتی که سعد بن عبدالله از احمد بن محمد و او از حسین و سپس از فضاله و سیف بن عمیره نقل می‌کند، از ابی بکر حضرمی آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در نماز سهو کرد و در دو رکعت اول سلام داد. سپس حدیث ذو الشمالین ذکر شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستند و دو رکعت دیگر به نماز افزودند.

این روایت همان مضمون روایات قبلی را تکرار می‌کند. در روایتی که سعد بن عبدالله از احمد بن محمد و او از حسین و سپس از فضاله و سیف بن عمیره نقل می‌کند، از ابی بکر حضرمی آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در نماز سهو کرد و در دو رکعت اول سلام داد. سپس حدیث ذو الشمالین ذکر شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاستند و دو رکعت دیگر به نماز افزودند. این روایت همان مضمون روایات قبلی را تکرار می‌کند.

روایت أبی سعید القماط از امام صادق (علیه السلام)

عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ وَجَدَ غَمْزاً فِي بَطْنِهِ أَوْ أَذًى أَوْ عَصْراً مِنَ الْبَوْلِ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى أَوِ الثَّانِيَةِ أَوِ الثَّالِثَةِ أَوِ الرَّابِعَةِ قَالَ فَقَالَ إِذَا أَصَابَ شَيْئاً مِنْ ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَخْرُجَ لِحَاجَتِهِ تِلْكَ فَيَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَنْصَرِفَ إِلَى مُصَلَّاهُ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ فَيَبْنِيَ عَلَى صَلَاتِهِ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ لِحَاجَتِهِ مَا لَمْ يَنْقُضِ الصَّلَاةَ بِكَلَامٍ قَالَ قُلْتُ وَ إِنِ الْتَفَتَ يَمِيناً أَوْ شِمَالًا أَوْ وَلَّى عَنِ الْقِبْلَةِ قَالَ نَعَمْ كُلُّ ذَلِكَ وَاسِعٌ إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ رَجُلٍ سَهَا فَانْصَرَفَ فِي رَكْعَةٍ أَوْ رَكْعَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثٍ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ أَنْ يَبْنِيَ عَلَى صَلَاتِهِ ثُمَّ ذَكَرَ سَهْوَ النَّبِيِّ ص.[15]

در روایتی که ابن سنان از ابن سعید القماة نقل می‌کند، آمده است که یک شخص از امام صادق (علیه السلام) پرسید اگر کسی در نماز سهو کند، چه باید بکند؟ امام (علیه السلام) پاسخ دادند که اگر کسی در یک یا دو یا سه رکعت نماز سهو کرده باشد، باید بنا را بر این بگذارد که نمازهایی که خوانده است صحیح است و بقیه نماز را ادامه دهد. امام (علیه السلام) برای اثبات این قاعده به سهو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) استشهاد کردند. این روایت مشابه روایات قبلی است، ولی در آن موسی بن عمر بن یزید که تضعیف شده است و محمد بن سنان که مورد اختلاف قرار دارد نیز ذکر شده‌اند. هرچند در بحث‌های فقهی محمد بن سنان توثیق شده، اما در این روایت به لحاظ سندی ضعف و اختلاف وجود دارد.

نکته دیگری که در این روایت می‌توان به آن اشاره کرد، عبارت «فانصرف فی رکعتین» است که به نظر می‌رسد منظور این است که شخص پس از سهو، از مکان خود برخاسته و به کار دیگری مشغول شود. این سوال مطرح می‌شود که چگونه می‌تواند دوباره نماز را ادامه دهد. از این جهت می‌توان گفت که علاوه بر ضعف سندی، این روایت نیز ضعف دلالی دارد و مورد اعراض قرار گرفته است.

روایت تمیم بن عبدالله در عیون

حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ فِي سَوَادِ الْكُوفَةِ قَوْماً يَزْعُمُونَ أَنَّ النَّبِيَّ ص لَمْ يَقَعْ عَلَيْهِ السَّهْوُ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ كَذَبُوا لَعَنَهُمُ اللَّهُ إِنَّ الَّذِي لَا يَسْهُو هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ...[16]

در روایت نقل‌شده از تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی در کتاب عیون، آمده است که امام رضا (علیه السلام) در پاسخ تاد«آنها دروغ می‌گویند، زیرا تنها خداست که از سهو مصون است» در این روایت، تمیم بن عبدالله بن تمیم تضعیف شده است.

جمع بندی حضرت استاد از روایات

این روایات مربوط به سهو که مرور اجمالی بر آنها داشتیم، شامل چند نکته اساسی است که باید بیان شود.

اشکالات سندی و دلالی روایات

نخست اینکه برخی از این روایات از نظر سندی دچار اشکال هستند و برخی دیگر از لحاظ دلالت مشکل دارند. مشکلات دلالتی یا به دلیل مخالفت با اجماع فقهاست که موجب اعراض آنان شده، یا به دلیل مفهومی است که نمی‌توان به آن پایبند بود.
به‌عنوان نمونه، در یکی از این روایات ذکر شده که صورت نماز به هم خورده و فرد از نماز خود انصراف پیدا کرده و به کار دیگری مشغول شده است. اطلاق روایت حتی شامل مواردی می‌شود که نماز به‌طور کامل مختل شده باشد، اما همچنان حکم به ادامه نماز و اتمام آن داده شده است. این موضوع از نظر فقهی قابل پذیرش نیست. بنابراین، این روایات چه از جهت دلالت و چه به دلیل اعراض فقها یا عدم امکان التزام به مفاد آنها، نمی‌توانند برای فقیه حجت محسوب شوند.

تعارض این روایات با روایات دیگر

ثانیاً، با صرف‌نظر از اشکالات سندی و دلالی این روایات، باید گفت که این روایات معارض دارند. به‌عنوان نمونه، در موثقه زراره نقل شده است.

1454- 42- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع هَلْ سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَجْدَتَيِ السَّهْوِ قَطُّ فَقَالَ لَا وَ لَا يَسْجُدُهُمَا فَقِيه.[17]

زراره از امام باقر علیه‌السلام می‌پرسد: «آیا پیامبر هرگز سجده سهو انجام داده است؟» امام در پاسخ می‌فرمایند: «خیر». این روایت از نظر سند صحیح و از نظر دلالت کاملاً محکم است و با روایاتی که وقوع سهو یا انجام سجده سهو توسط پیامبر را بیان می‌کنند، در تعارض قرار دارد.

شیخ طوسی هنگام نقل این روایت می‌گوید که میان این روایت و روایات دیگری که دلالت بر وقوع سهو از پیامبر دارند، روایتی که بر عدم وقوع سهو دلالت می‌کند را ترجیح می‌دهد و به آن فتوا می‌دهد. او بیان می‌کند که یکی از ایرادات روایاتی که وقوع سهو از پیامبر را مطرح می‌کنند، موافقت این روایات با دیدگاه عامه است.[18]

موافقت با عامه یکی از مهم‌ترین مرجحات در بررسی روایات به شمار می‌آید، البته پس از مسئله موافقت با قرآن که مهم‌ترین مرجح محسوب می‌شود. ما موافقت یک روایت با قرآن را به‌عنوان اولین ملاک در ترجیح روایات می‌پذیریم. در این موضوع، روایتی که دلالت بر عدم وقوع سهو از پیامبر دارد، موافق قرآن است، چراکه سهو با عصمت پیامبر ناسازگار است. در مقابل، روایاتی که وقوع سهو را بیان می‌کنند، علاوه بر مخالفت با قرآن، موافق با نظر عامه هستند، و همین امر سبب کنار گذاشته شدن آن‌ها می‌شود.

در منابع عامه، روایتی از ابوهریره در مورد سهو النبی نقل شده است.
حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ شُمَيْلٍ، أَخْبَرَنَا ابْنُ عَوْنٍ، عَنِ ابْنِ سِيرِينَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِحْدَى صَلاَتَيِ العَشِيِّ ـ قَالَ ابْنُ سِيرِينَ: سَمَّاهَا أَبُو هُرَيْرَةَ وَلَكِنْ نَسِيتُ أَنَا ـ قَالَ: فَصَلَّى بِنَا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ، فَقَامَ إِلَى خَشَبَةٍ مَعْرُوضَةٍ فِي المَسْجِدِ، فَاتَّكَأَ عَلَيْهَا كَأَنَّهُ غَضْبَانُ، وَوَضَعَ يَدَهُ اليُمْنَى عَلَى اليُسْرَى، وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ، وَوَضَعَ خَدَّهُ الأَيْمَنَ عَلَى ظَهْرِ كَفِّهِ اليُسْرَى، وَخَرَجَتِ السَّرَعَانُ مِنْ أَبْوَابِ المَسْجِدِ، فَقَالُوا: قَصُرَتِ الصَّلاَةُ؟ وَفِي القَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَهَابَا أَنْ يُكَلِّمَاهُ، وَفِي القَوْمِ رَجُلٌ فِي يَدَيْهِ طُولٌ، يُقَالُ لَهُ: ذُو اليَدَيْنِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَسِيتَ أَمْ قَصُرَتِ الصَّلاَةُ؟ قَالَ: «لَمْ أَنْسَ وَلَمْ تُقْصَرْ» فَقَالَ: «أَكَمَا يَقُولُ ذُو اليَدَيْنِ» فَقَالُوا: نَعَمْ، فَتَقَدَّمَ فَصَلَّى مَا تَرَكَ، ثُمَّ سَلَّمَ، ثُمَّ كَبَّرَ وَسَجَدَ مِثْلَ سُجُودِهِ أَوْ أَطْوَلَ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَكَبَّرَ، ثُمَّ كَبَّرَ وَسَجَدَ مِثْلَ سُجُودِهِ أَوْ أَطْوَلَ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَكَبَّرَ، فَرُبَّمَا سَأَلُوهُ: ثُمَّ سَلَّمَ؟ فَيَقُولُ: نُبِّئْتُ أَنَّ عِمْرَانَ بْنَ حُصَيْنٍ، قَالَ: ثُمَّ سَلَّمَ.[19]

ابو هریره نقل کرده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز عصر را اقامه کرد و در دو رکعت سلام داد. ذو

الیدین عرض کرد: «یا رسول‌الله! آیا نماز را کوتاه کردید یا فراموش نمودید؟» پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سوی مردم برگشت و فرمود: «آیا ذو الیدین راست می‌گوید؟» مردم پاسخ دادند: «بله.»

نکته این است که تاریخ بیان می‌کند اسلام ابو هریره بعد از این بود که دو سال از فوت ذو الیدین گذشته بود. ذو الیدین در جنگ بدر کشته شد که این جنگ در سال دوم هجری رخ داد، اما ابو هریره در سال هفتم هجری اسلام آورد. با این حال، در این روایت گفته شده که ابو هریره در نماز پشت سر پیامبر حاضر بوده است! این مسئله نشان می‌دهد که یا روایت از لحاظ تاریخی نادرست است یا ساخته و پرداخته شده است. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که ابو هریره چگونه می‌توانسته در حال کفر در نماز پیامبر شرکت کرده باشد؟

لذا به طور خلاصه می توان گفت که چهار اشکال اساسی به روایات سهو النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد است.

1 . مخالفت با قرآن کریم: این روایت با مفاهیم قرآنی که دلالت بر عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد، مغایرت دارد.

2. مخالفت با روایات متواتر: روایات متواتر از کتاب الحجة و دیگر منابع معتبر، سهو پیامبر را به‌کلی رد می‌کنند.

3. اشکالات سندی و دلالی: این روایت از نظر تاریخی و سندی مشکل دارد و محتوای آن نیز قابل قبول نیست.

4. موافقت با عامه: این روایت، مانند بسیاری از روایات مشابه، با دیدگاه‌های عامه مطابقت دارد و این خود دلیل دیگری برای کنار گذاشتن آن است.

وَ صَلَّی الله عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرینْ

پاورقی

[1] «قرآن کریم»، سوره بقره، آیه 143.

[2] «قرآن کریم»، سوره توبه، آیه 113.

[3] «قرآن کریم»، سوره النحل، آیه 43.

[4] همان، سوره آل عمران، آیه 7.

[5] عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ وَ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ. («الکافی (اسلامیه)»، ج 1، ص 213، حدیث 1.)

[6] «قرآن کریم»، سوره الجن، آیه 16.

[7] کلینی، الکافی (اسلامیه)، ج 3، ص 355.

[8] همان، ج 3، ص 357.

[9] همان، ج 3، ص 356.

[10] طوسی، محمد بن حسن، «تهذیب الأحکام»، ج 2، ص 345.

[11] همان، ج 2، ص 346.

[12] همان، ج 2، ص 350.

[13] همان، ج 2، ص 352.

[14] همان، ج 2، ص 180.

[15] همان، ج 2، ص 355.

[16] ابن‌بابویه، محمد بن علی، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، ج 2، ص 203.

[17] طوسی، تهذیب الأحکام، ج 2، ص 351.

[18] قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ: الَّذِي أُفْتِي بِهِ مَا تَضَمَّنَهُ هَذَا الْخَبَرُ فَأَمَّا الْأَخْبَارُ الَّتِي قَدَّمْنَاهَا مِنْ أَنَّ النَّبِيَّ ص سَهَا فَسَجَدَ فَإِنَّهَا مُوَافِقَةٌ لِلْعَامَّةِ وَ إِنَّمَا ذَكَرْنَاهَا لِأَنَّ مَا تَتَضَمَّنَهُ مِنَ الْأَحْكَامِ مَعْمُولٌ بِهَا عَلَى مَا بَيَّنَّاهُ.(همان، ج 2، ص 351.)

[19] بخاری، محمد بن اسماعیل، «صحیح بخاری»، ج 1، ص 103.

منابع

علاوه بر قرآن.

ابن‌بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، بی‌تا.

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دمشق، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، 1422.

طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بی‌جا، 1365.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اسلامیه)، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1363.